

پہلا نمبر

توربین
وایکینگ ہیربان



ہیو
Hoopa

فصل اول

دوره‌ای تاریک در تاریخ اسکاتلند بود. دوره‌ای که مردهایش همه گنده و پشمالو بودند، همین‌طور زن‌هایش و همه از وایکینگ‌ها می‌ترسیدند.

اسکاتلند سرزمینی بود که ارتفاعاتش به زمین‌های پست می‌رسید، کوه‌ها و جنگل‌ها به تپه‌های هموار منتهی می‌شد و مزارع و شهرهای زیادی داشت؛ شهرهایی ثروتمند، شهرهایی که وایکینگ‌ها عاشق غارت کردنشان بودند.

روزی، یک پسر وایکینگ از لابه‌لای دارودرختِ جنگلی تاریک بیرون آمد، یک کبوتر خال‌خالی هم روی شانه‌اش نشسته بود. پسرک راه افتاد طرفِ دروازه‌ی نزدیک‌ترین شهر.